

«بحران خلیج فارس» به عنوان مهمترین خبر سال ۱۹۹۰، از سوی سردبیران روزنامه‌ها و مدیران آژانسهای خبری آمریکا اعلام شده است.

حمله غیرمنتظره ارتش عراق به خاک کویت در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ و اشغال سریع آن، پیش از آنکه با واکنشهای نظامی روبرو شود، جبهه‌های تبلیغاتی وسیعی را گشود. روزهای اول واقعه برای بسیاری در حیرت و شگفتی عجیبی گذشت و عکس‌العملهای اغلب آنها نیز سمت و سوی دقیقی نداشت.

کویتیهایی که توانسته بودند از کشور خویش جان سالم به در ببرند، پیش از هر چیز به دنبال پایگاه و جایگاهی بودند که بتوانند از آنجا صدای خود را به گوش دیگران برسانند. پنج روزنامه‌ای که پیش از اشغال کویت در این کشور به فعالیت مشغول بودند، پس از مدتی در خارج از کشور منتشر شدند و جنگ تبلیغاتی را سامان دادند. «القبس» در لندن و «السیاسة» در عربستان سعودی انتشار یافت و روزنامه «الانباء» در مصر به طور رایگان توزیع شد. خبرگزاری کویت نیز در لندن کار خود را از سر گرفت. از آن طرف نیروهای عراقی نیز پس از اشغال کویت و تصرف دفتر روزنامه‌های این کشور، روزنامه‌ای با نام «النداء» در ۸ صفحه منتشر کردند و در دسترس مردم کویت قرار دادند.

کویتها با پرداخت هزینه‌های گزاف، در کشورهای مختلف عربی و غربی دست به تبلیغات گسترده‌ای زدند. از جمله گروهی از آنها به اسم «هیئت جهانی همبستگی با کویت» با شعار «ما برای کویتی آزاد کار می‌کنیم»، اقدام به درج یک آگهی در نشریات کشورهای عربی کردند. این آگهی حاوی توصیه‌هایی بود که کویتیهایی خارج از کشور و داخل کشور باید برای مبارزه با دشمن و آزاد کردن کویت انجام می‌دادند. از جمله اقدامهایی که به مردم داخل کویت توصیه شده، «مقابله با شایعات و تبلیغات نیروهای اشغالگر به وسیله نشریات مخفی» می‌باشد.^(۱)

اغلب کشورهای عربی که در جبهه مقابل عراق قرار داشتند نیز همصدا با دولت آزاد کویت حملات تبلیغاتی را آغاز کردند و رسانه‌های جمعی آنها صحنه زد و خورد شدید نظرات موافق و مخالف عراق شد. این نبردهای تبلیغاتی از زبان یکی از نویسندگان عرب چنین توصیف شده است:

چکاچک کلمات و سخنان در این هنگامه تبلیغاتی، پرطنینتر از صدای سلاحهای جنگی است که منطقه تاکنون شناخته است. زیرا اردوگاههای متخاصم در این نبرد تبلیغاتی به گونه‌ای زشت‌ترین الفاظ و بدترین سخنان را در حمله به یکدیگر و توصیف دولتها و سران و امرا و شیوخ و رؤسای جمهور به کار می‌برند که واژه‌هایی چون خیانت و مزدور و کفر به صورت الفاظی «پاک» درآمده‌اند.

این نویسنده همچنین ضمن بیان این نکته که رسانه‌های تبلیغاتی عربی به علت برخورد یکسویه با خبرها و گزارشها، اعتبار خود را در نزد مخاطبان از دست داده‌اند و شهروندان عرب برای دریافت وقایع تا حد امکان به مطبوعات و منابع رادیویی خارجی روی می‌آورند، می‌گوید: آنچه امروز برای ما در این جنگ تبلیغاتی-که به شدت میان دو طرف بحران خلیج فارس شعله‌ور شده-اهمیت دارد، بررسی سه پدیده خطرناک است:

جبهه خبری

در بحران خلیج فارس

سید علی میرافضلی



در بحران جاری تقریباً هر روز و در هر ساعتی یک برنامه ویژه پخش شده است، بدون اینکه محدودیت زمانی وجود داشته باشد. در حالیکه در اوج جنگ ویتنام، سرپرست اخبار «سی.بی.اس» به این دلیل که شبکه اجازه نمی‌داد او در طول روز از جنگ چیزی نشان دهد، استعفا داده بود. اما با اینهمه بخش اعظم این رپرتاژها حاوی مطالب پیش‌پاافتاده و حتی بی‌مزه بود و نه چیز دیگر^(۳).

در اینجا مروری بر نتایج دو مورد نظر سنجی از مردم آمریکا درباره بحران خلیج فارس و نقش آمریکا در این بحران، که توسط سازمان «گالوپ» انجام شده و در مجله «نیوزویک» به چاپ رسیده است، حائز اهمیت و روشنگر بعضی از مسایل می‌باشد. نظر سنجی اول در فاصله زمانی بین اول تا دهم اکتبر ۱۹۹۰ انجام شده و در آن علاوه بر مردم آمریکا، از ۵۰۰ نفر از اتباع هریک از کشورهای انگلستان، فرانسه، ایتالیا و آلمان نیز در مورد سیاست بوش در خلیج فارس نظر خواهی شده است. بر اساس نتایج این نظر سنجی اکثر آمریکاییان از عملکرد بوش در قبال بحران خلیج فارس حمایت کرده‌اند و اروپاییان نیز به طور کلی حامی سیاست دولت بوش در خلیج فارس بوده‌اند. اما پاسخهای شهروندان چهار کشور بزرگ اروپا نشان‌دهنده اختلاف عقیده قابل توجه آنها با هم است.

پدیده سوم در حملات شدید تعداد نه‌چندان کمی از این رسانه‌های تبلیغاتی به فلسطینیها بروز یافته است. این حملات شکل‌های مختلفی به خود گرفته و خواستار حذف مسئله فلسطین از مسایل اعراب در بحران کنونی است، با این بهانه که عده‌ای آن را در بحران خلیج فارس مورد سوءاستفاده قرار ندهند. حتی بعضی مسئله را به جایی می‌کشاند که ملت فلسطین را مسئول اول و آخر قضیه فلسطین قلمداد می‌کنند. بدین معنی که آنها خود این قضیه را ایجاد کرده و خود نیز آن را به نابدودی کشانداند، زیرا آنها بودند که خاک خود را به یهودیان فروختند^(۴).

از طرف دیگر، آمریکا به عنوان یکی از مهمترین طرفهای درگیری، همزمان با اعزام گسترده نیرو به عربستان و ترغیب دیگر کشورها برای مشارکت در این امر، تبلیغات وسیعی را تدارک دید.

دولت بوش از سویی با رهبری تلاشهای دیپلماتیک برای حل و فصل مسئله و نفوذ در شورای امنیت به منظور صدور اعلامیه‌های پی در پی، تحریم و تهدیدهایی را علیه عراق برای خروج از کویت تدارک دید و از سوی دیگر افکار عمومی را به نفع خود به سوی پذیرش جنگ احتمالی هدایت کرد و زمینه‌های لازم را برای این کار فراهم آورد.

آمریکا بیش از آنکه درباره تصمیم اعزام نیرو به خلیج فارس بحث کند، درگیر نقش رسانه‌ها بویژه تلویزیون در این جریان شد. «پنتاگون» در اوایل کار با محدود کردن اندازه و آزادی مرکز پوشش اخبار خلیج فارس، نشان داد که به هیچ کس اجازه نمی‌دهد بیش از حد سؤال کند و این در حالی بود که ارتش، بزرگترین عملیات خود را پس از جنگ ویتنام آغاز می‌کرد.

پدیده اول آن است که شور و حماسه بیشتر رسانه‌های تبلیغاتی دولتی در دستزدن به جنگ تبلیغاتی و پاسخ‌دادن یک ضربه با دو ضربه یا بیشتر، از حد دولتها و مقامات عالی‌رتبه در گذشته و بذر کیتو دشمنی رامیان فرزندان ملت عرب می‌پراکند و مسئله به صورت رفتار خصمانه و حساب‌شده یک ملت عرب علیه دیگر ملت عرب مبدل می‌شود و این چنین به عمق وحدت ارزشها و منافع توده‌ها و سرنوشت مشترک قومی است عرب ضربه وارد می‌آید.

پدیده دوم در مسابقه تبلیغاتی و دمیدن با تمام توان در شیپور جنگ در منطقه و بستن و تخریب هر گونه تلاش برای حل مسالمت‌آمیز و سیاسی بحران خلیج فارس تبلور می‌یابد. گویا جنگ تفریح محض یا کلید بهشت موعود می‌باشد، یا اینکه آتش جنگ و قربانیان آن تنها دامنگیر یک طرف بحران خواهد شد. متأسفانه دست‌اندرکاران رسانه‌های تبلیغاتی عربی پای خود را در کفش ژنرال‌ها کرده‌اند و عقل و مسئولیت و حتی احساسات طبیعی انسانی آنها از بین رفته است، چه رسد به ملیت و قومیت عربی آنها.

| کشور | هدف |
|-------------------------------|--------------------|
| انگلستان فرانسه آلمان ایتالیا | آزاد کردن کویت |
| ۷۵٪ ۷۱٪ ۷۵٪ ۷۸٪ | آزاد کردن گرنادینا |
| ۷۲٪ ۷۰٪ ۷۸٪ ۷۸٪ | تضمین برقراری صلح |
| ۶۸٪ ۷۱٪ ۷۲٪ ۷۸٪ | |

این آمار تا حدودی روشنگر این مسئله است که نظر اغلب مردم اروپا، تابع سیاستهای کلی دولتهایشان و بیشتر تحت‌تأثیر تبلیغات دولتی است.

در نظر سنجی دوم که در تاریخ ۱۸ و ۱۹ اکتبر ۱۹۹۰ انجام شده، از ۷۵۵ نفر از بزرگسالان آمریکایی از طریق تلفن نظر خواهی شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که اکثر آمریکاییان هنوز از نحوه برخورد جرج بوش در بحران خلیج فارس حمایت می‌کنند. آنها صبر و در صورت امکان یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز را ترجیح می‌دهند، ولی از جنگ نمی‌ترسند. بر اساس این نظر خواهی ۶۱ درصد از مردم عملکرد رییس جمهور بوش را در رابطه با اوضاع فعلی عراق و کویت تایید می‌کنند. ۶۶ درصد معتقدند که اگر جنگ شروع شود و گروه‌گانه‌های آمریکایی یا سایر اتباع خارجی همچنان در عراق باشند، بوش باید دستور حمله به مواضع عراق را صادر کند. ۵۹ درصد با این نظر که آمریکا باید بر عقب‌نشینی کامل عراق از کویت بدون دادن هیچ امتیازی پافشاری کند، موافقت و...^(۴)



این نظرسنجی نشان می‌دهد که زمینسازیهایی تبلیغاتی در شکل گرفتن افکار عمومی تا چه حد مؤثر واقع شده و کوششهای سردمداران آمریکا در استفاده از وسایل ارتباط جمعی برای رسیدن به این هدف تا چه اندازه با توفیق همراه بوده است. نقش هدایتی و انحصاری آمریکا در اداره کردن و کنترل رسانه‌های همگانی با بحران‌تر شدن اوضاع منطقه، بیش از پیش آشکار شد و هنوز جنگ خلیج فارس آغاز نشده درستی این جمله که «آمریکا دوست ندارد داستان جنگ را از زبان طرف دیگر نیز بگوید» به اثبات رسید.

با نزدیک شدن پایان مهلت داده شده به عراق برای خروج از کویت و احتمال وقوع جنگ در منطقه، پنتاگون دستور العملها و مقررات رسمی زمان جنگ را به رسانه‌های جمعی ابلاغ کرد. این مقررات ویژه که محدودیتهایی را در ارسال گزارشهای جنگی پیش‌بینی می‌کرد، در حقیقت شامل تمام خبرگزاریهایی می‌شد که مایل بودند از جبهه نیروهای چندملیتی کسب خبر کنند. قوانین آمریکا بدون شک نشانه تصمیم قاطع فرماندهان نظامی آن کشور است تا کنترل پوشش مطبوعاتی را آن‌طور که در جنگ ویتنام اتفاق افتاد، از دست ندهند.

طبق این مقررات، خبرنگاران از ارسال گزارشهایی که در آنها تعداد دقیق نیروها، کشتیها و هواپیماها و جنگ‌افزارها، جزئیات عملیات نظامی، فعالیتهای اطلاعاتی و اقدامات احتیاط امنیتی ذکر شده باشد، منع شدند، مگر آنکه اینگونه گزارشها با صلاح‌دید مقامات رسمی مخابره شوند. در این فرمان پیش‌بینی شده است که در صورت وقوع جنگ این محدودیتهای، ارسال گزارش در مورد تعداد تلفات جانی یا خسارات مالی و یا تعداد هواپیماها و کشتیهای آسیب‌دیده را نیز در برمی‌گیرد.

وزارت دفاع انگلیس نیز دستورالعمل مشابهی برای رسانه‌های جمعی خود صادر کرد و محدودیتهایی را برای آنها قایل شد. طبق این مقررات گزارشهای مربوط به خط مقدم جبهه را عده‌ای محدود به یک گروه تلویزیونی، یک گزارشگر رادیویی و دو روزنامه‌نگار و یک عکاس عرضه می‌کنند. وزارت دفاع انگلیس این عده را گروه‌های پاسخ وسایل ارتباط جمعی خوانده است.

بعداً مشخص شد که شبکه تلویزیونی «سی.ان.ان» آمریکا در تهیه، گزینش، ارسال و پوشش خبرها و گزارشها حرف اول را می‌زند و خبرگزاریهای دیگر برای اینکه از جریان خبرها دورنمانند، مجبورند با این شبکه همکاری کنند.

نتیجه این اعمال نظرها و - به اصطلاح - سانسور خبرها در ساعات اولیه حمله نظامی نیروهای چندملیتی به عراق، به خوبی مشهود بود. در چند ساعت اول جنگ، اخبار منتشر شده از سوی جبهه خبری غرب، به نحوی کاملاً یکجانبه خبر از پیروزی قریب‌الوقوع نیروهای

چندملیتی و انهدام کامل مواضع نیروهای عراقی می‌داد. اما علی‌رغم برقراری سانسور شدید و هماهنگی خبری به عمل آمده بین آمریکا و متحدانش برای انعکاس اخبار حمله علیه عراق، گزارشهایی که در هفت ساعت اول عملیات مشترک هوایی آمریکا، انگلیس و فرانسه منتشر شد، دارای تناقضهای بسیاری بود.

این خبرها و گزارشهای متناقض و شتابزده در روزهای بعد اگرچه جنبه مفروضانه و یکسویه خود را رها نکرد، اما کمی تعادل یافت و فرماندهان نظامی اذعان داشتند که جنگ حاضر ممکن است مدتی به طول بینجامد ساعاتی قبل از شروع حمله نظامی، شبکه تلویزیونی «ان.بی.سی» آمریکا گزارش داد که عملیات پارازیت افکنی بر روی ارتباطات عراق آغاز شده است. پس از شروع جنگ نیز انهدام تأسیسات ارتباطی عراق از جمله اهداف حمله‌های هوایی نیروهای چندملیتی بود.

تلکسهای خبری در یکی دو روز اول جنگ، ساعات پر مشغله‌ای را پشت سر گذاشتند و بی وقفه کار کردند. در ایران چهار روزنامه کیهان، اطلاعات، ابرار و جمهوری اسلامی به نحوی بی سابقه در روز جمعه ۲۸ دی ماه (۱۳۶۹) اقدام به چاپ فوق‌العاده‌هایی کردند و تازه‌ترین خبرها و گزارشهای جنگ را به اطلاع مردم رساندند. رادیو و تلویزیون ایران (بویژه رادیو) نیز ساعت به ساعت حوادث جنگ را گزارش می‌کردند. البته در روزهای بعد به مرور از التهاب وسایل ارتباط جمعی کاسته شد و آنها روال منطقی خود را ادامه دادند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران نیز به سبب نزدیکی به صحنه وقوع جنگ، سانسور و کنترل شدید اخبار از سوی نظامیان آمریکا، محدودیت فعالیت خبرنگاران خارجی در عراق و پخش و نقل خبر از هر دو طرف درگیری به طور متعادل، به عنوان منبع خبری مستقل و نزدیک به منطقه، تا حدودی مورد توجه رسانه‌ها و افکار عمومی خارج از کشور قرار گرفت.

البته اعلام مکرر موضوع بی‌طرفی ایران در

جنگ به تقویت این امر کمک بسیار کرد. مثلاً می‌توان به خبر نمایش تصاویر چند خلبان غربی در تلویزیون عراق اشاره کرد که روز یکشنبه (۳۰ دی ۶۹) از سوی خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران به عنوان اولین گزارش مستند از اسارت خلبانان غربی به دست عراقیها مخابره شد و علی‌رغم انکار مقامات آمریکایی و تردید در مورد صحت آن، انعکاس قابل توجهی در رسانه‌های خبری خارجی بسویژه کشورهای اروپایی، پیدا کرد.

کنترل شدید خبرها و محدودیت فعالیت خبرنگاران مستقل از سوی نیروهای نظامی که حتی منجر به بازداشت چند تن از خبرنگاران اعزامی به عربستان - از جمله خبرنگاران آسوشیتد پرس و رویتر - شد، اعتراضهایی را نیز در پی داشت.

خبرنگاران عضو سندیکای C.G.T فرانسه ضمن انتشار اعلامیه‌ای، سانسور اعمال شده از سوی آمریکا و فرانسه را در مورد اخبار مربوط به جنگ در منطقه محکوم کردند. در این بیانیه آمده بود که به اکیبهای رادیو تلویزیون و عکاسان فرانسوی هنوز امکان فعالیت خبری در نقاطی که جنگ جریان دارد، داده نشده است. آنها در ضمن نسبت به استفاده تقریباً انحصاری کانالهای دولتی و خصوصی تلویزیون فرانسه از تصاویر و گزارشها و تفسیرهای کانال تلویزیون دولتی «سی.ان.ان» آمریکا اعتراض کردند و از عدم انعکاس عادلانه افکار عمومی فرانسه که اکثراً طرفدار صلح می‌باشند، انتقاد نمودند.

از سوی دیگر یک هفته پس از اقدام پنتاگون



می بینند یا می خوانند، با نظر انتقادی دنبال کنند.

همچنین سی صد روزنامه نگار از ۲۳ کشور جهان، با نوشتن نامه سرگشادهای تهدید کردند در صورتی که اعمال قوانین سانسور مطبوعات که در حال حاضر به وسیله آمریکا و انگلیس به خاطر جنگ علیه عراق اجرا می شود، لغو نگردد خود جداگانه دست به اقداماتی خواهند زد. این روزنامه نگاران از عدم دسترسی به امکانات خبری در عربستان برای تهیه گزارش ابراز نارضایتی کردند.

□

بهر حال، بحرانی که در خلیج فارس ایجاد شد و پیامدهای آن، بیش از پیش بر نقش گسترده وسایل ارتباط جمعی صحنه گذاشت و اهمیت روز افزون آنها را بار دیگر گوشزد کرد و نشان داد که آن روی دیگر جنگهای امروزی، جنگ تکنولوژیهای ارتباطات است که به نحوی مؤثر حتی فعالیتهای نظامی را تحتالشعاع قدرت و برتری خویش قرار می دهد.

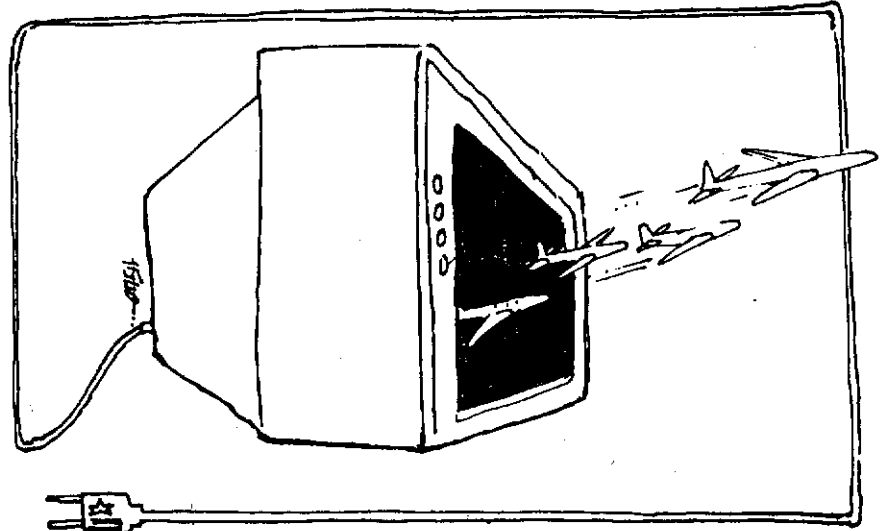
خبرگزاری رویتر نیز روز چهارشنبه (۲۶ دی ۶۹) طی پیامی خطاب به مشترکین خود خاطر نشان کرد که خبرنگاران و عکاسان این خبرگزاری که برای پوشش خبری بحران خلیج فارس در عربستان سعودی و بخشهای همجوار عربستان در حوزه خلیج فارس مستقر شده اند، تحت مقررات سانسور نظامی اعمال شده از سوی مقامات نظامی آمریکا، انگلیس و سایر مقامات قرار گرفته اند.

همچنین مسئولان گزارشهای خبری فرانسه در یک گزارش که شب جمعه (۱۲ بهمن ۶۹) از تلویزیون شبکه دوم این کشور پخش شد، اقرار کردند که در مورد انتشار اخبار مربوط به جنگ خلیج فارس، همه چیز تحت سلطه خبری آمریکا و تصمیم گیرندگان پنتاگون قرار دارد. در این برنامه نحوه تحمیل خطوط خبری از سوی پنتاگون به رسانه های غربی و نقش مؤسسه خبری «سی. ان. ان» تشریح شد.

رادیو کلن نیز روز پنجشنبه (۱۱ بهمن ۶۹) با پخش گزارشی، از پیام گیران رسانه های خبری اعم از رادیو، تلویزیون و مطبوعات خواست که آنچه را که در مورد بحران فعلی می شنوند یا

مبنی بر تشدید محدودیت در گزارش اخبار جنگ، ۱۳ روزنامه نگار و نشریه خبری دادخواستی علیه دولت آمریکا تنظیم و تسلیم دادگاه فدرال مانهاتان کردند و در آن اقدام دفاع را برای محدود کردن مطبوعات از دسترسی به اخبار خلیج فارس، مغایر با مفاد قانون اساسی دانستند. شاکیان پرونده اظهار داشتند که محدودیتهای جدید، یک شیوه سانسور را برای نخستین بار در دوره شرایط جنگی جدید تحمیل می کند و در نتیجه این اقدام، مردم آمریکا از دسترسی به اطلاعات کامل و دقیق مسایل محروم شده و خواهند شد. از نشریاتی که این دادخواست را تنظیم کردند، می توان از مجله های «نیشن»، «هارپرز»، «پروکریسو» و هفته نامه «ال-آ» و چند تن از نویسندگان نام برد. گروههای خبری و روزنامه نگاران می گویند: وضع کنندگان این محدودیتهای حقوق آنها را مبنی بر آزادی مطبوعات و آزادی بیان نقض کرده اند و این اقدام دخالت آشکاری است در انجام وظایف خبری آنها.

گردانندگان چهار شبکه تلویزیونی نیز روز چهارشنبه (۱۹ دی ۶۹) نسبت به اعمال مقررات محدودیت برای پوشش خبری جنگ احتمالی در خلیج فارس، به پنتاگون اعتراض کردند.



• پانوشتهای:

- ۱- الحیات، ۱۸ اکتبر ۱۹۹۰.
- ۲- لطفی الخولی، الشام، ۱۲ اکتبر ۱۹۹۰.
- ۳- میریه اسمیت، مجله لیستر، ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۰.
- ۴- نیوزویک، ۲۹ اکتبر ۱۹۹۰.